ادامه از صفحه اول

ویکی‌لیکس نمودی از جهان اطلاعاتی

در این صورت باید بر این واقعیت متمرکز شویم که این اتفاق نشان می‌دهد تحولی عمیق در جهان ما رخ داده است، به نحوی که مرزهای غیرقابل عبور آرشیوها و بایگانی‌های اسناد محرمانه را تا حد زیادی از میان برده است و طبعاً سیاستمداران را با این پدیده نگران‌کننده مواجه می‌کند که برخلاف گذشته که در بدترین حالت ۳۰ سال بعد اظهارات آنان آشکار می‌شد، احتمال دارد در اندک‌مدتی، محتوای مذاکرات پشت پرده یا مخفی و محرمانه آنان آشکار شود و آنان را با مشکل مواجه کند و از این پس باید بیش از پیش مواظب سخنان خود باشند. این اتفاق محصول جهان اطلاعاتی است. به میزانی که اهمیت اطلاعات در توسعه و پیشرفت کشورها بیشتر می‌شود، فشارهای آشکار و پنهان برای آزادی مردم در دسترسی به اطلاعات بیشتر نیز افزایش می‌یابد، به ویژه آنکه امکان دسترسی و آشکار کردن و انتقال اطلاعات مذکور از طریق کامپیوتر و اینترنت نیز بیشتر و بسیار ساده‌تر می‌شود. اگر ۳۰ سال پیش کسی می‌خواست این تعداد سند را در ایالات متحده جمع‌آوری و آنها را خارج و سپس منتشر کند، محال می‌نمود، اما اکنون به برکت کامپیوتر و اینترنت و سایر تجهیزات الکترونیکی در دسترس عموم، هر سه کار جمع‌آوری و انتقال و انتشار آسان شده است. نکته جالب اینکه دولت ایالات متحده از رجوع به دادگاه‌ها برای جلوگیری از انتشار این اسناد نیز (حداقل تاکنون) خودداری کرده است و دولت‌های اروپایی هم که هم‌پیمان امریکا هستند، تاکنون قادر به انجام اقدامی درخور برای جلوگیری از انتشار این اسناد نشده‌اند، و حکم جلب رئیس ویکی‌لیکس هم به دلیل اتهام دیگری صادر شده است. و اگر درصدد اقدامی جدی‌تر علیه این مدیر باشند، بالطبع افکار عمومی آن دولت‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند، در نتیجه انتشار این نوع اسناد به مرور به عنوان مصداقی از حق دسترسی به اطلاعات تلقی خواهد شد و عادی شدن اعمال این حق به نوبه خود موجب می‌شود که افراد بیشتری در این راه (انتشار این اسناد) همکاری و اقدام کنند و پس از این مرزهای میان سیاست محرمانه و آشکار در جهان غرب بسیار کمرنگ‌تر خواهد شد، و این اتفاق به نفع مردم است.

نکته جالب دیگر این است که امریکا تاکنون ویکی‌لیکس را به مزدوری کشورهای دیگر متهم نکرده است و همین امر ناشی از دیگر نقطه قوت اقدام ویکی‌لیکس است که برای اولین بار از جایگاه حوزه عمومی و غیردولتی وارد مقوله‌ای شده است که به طور سنتی تحت انقیاد دولت‌ها قرار داشت. این یکی دیگر از نتایج جهان اطلاعاتی است که عبور از مرزهای میان دولت‌ها و حوزه عمومی را برای مردم ساده و آسان کرده است. اگرچه بنده تاکنون فقط از محتوای تعداد معدودی از این اسناد مطلع شده‌ام و این موارد نیز آنهایی هستند که رسانه‌ها بر اهمیت آنها تاکید کرده‌اند، ولی فرض بر این است که رسانه‌ها موارد مهم را منتشر می‌کنند بنابراین آنچه تاکنون مطلع شده‌ایم، اهم اسناد مذکور است. در این صورت برداشت شخصی‌ام این است که آشکار شدن این اسناد تغییری اصولی در درک سیاستمداران از سیاست‌های موجود ایجاد نکرده است و چنان نیست که برخی‌ها گفته‌اند تاریخ را باید از نو نوشت. محتوای هیچ‌کدام از این اسناد به گونه‌ای نبوده که شنونده را دچار تعجب کند. البته شاید ویکی‌لیکس اسناد مهم‌تر و به‌کلی سری را داشته که تاکنون منتشر نکرده باشد و اگر از آنها مطلع می‌شدیم، شاید قضیه تفاوت می‌کرد، ولی به نظرم در همین حد موجود می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف تصور عده‌ای، سیاست‌های پشت‌پرده و اتاق‌های دربسته، با آنچه در آشکار دیده می‌شوند یا از روی قرائن می‌توان حدس زد، تفاوت چندان زیادی ندارند تا نیازمند آن باشیم که اطلاعات آشکار خود را کنار بگذاریم و وقت خود را صرف دستیابی به اطلاعات محرمانه کنیم. اطلاعاتی که معمولاً هم به دست نمی‌آیند، مگر اینکه نهادی مثل ویکی‌لیکس آنها را منتشر کند. در این باره نکات جالب دیگری هم وجود دارد که در صورت فرصت در یک یادداشت دیگر به آنها اشاره خواهد شد.

سیاست و ریاکاری سازمان‌یافته

بسیاری از ناظران نگاه دولتمردان عرب در مورد رابطه با ایران را دوستانه و صمیمانه توصیف می‌کردند اما این اسناد نشان داد نگاه بسیاری از دولتمردان عرب در مورد ایران و حتی برنامه‌های هسته‌ای ایران نگران‌کننده است. نمونه‌های مشابه در این زمینه بسیارند که هر یک نشان می‌دهد که چقدر نیات و نظرات موجود با سیمای منعکس‌شده در تابلوی سیاست جهانی تفاوت دارد. این چهره متفاوت برای ما چند پیام متفاوت دارد؛ نخست آنکه برای شناخت روابط سیاسی و بین‌المللی چیزی بیش از مشاهده اخبار روز و نگاه کردن به ویترین نیاز است. اسناد ویکی‌لیکس نشان می‌دهد که در بسیاری موارد رفتار کشورها با نیات و نگرش‌های افراد تصمیم‌گیرنده در آن مورد خاص متفاوت است. این یعنی عاملی غیر از نگرش‌های شخصی یا قضاوت‌های سیاستمداران در رفتارها و کنش‌های کشورها موثرند. عواملی مانند ساختار نظام بین‌الملل که باعث می‌شوند کشورها رفتارهایی کنند که در بسیاری از موارد با ترجیحات دیپلمات‌ها و سیاستمداران مغایر است. برای شناخت ماهیت روابط بین‌الملل نمی‌توان تنها به ظواهر اکتفا کرد و گفتارها و کردارهای قرارگرفته در ظاهر را ملاک تحلیل قرار داد. این امر ضرورت بهره‌گیری از دانشی عمیق‌تر برای فهم و طراحی روابط بین‌الملل را آشکار می‌کند. دومین درس انتشار این اسناد این است که انگار دوران ریاکاری سازمان‌یافته به پایان رسیده است. دیگر زمانه پنهانکاری مطلق به پایان رسیده و دیگر هیچ سیاستمداری نمی‌تواند با اطمینان به یک شیوه سخن بگوید و به شیوه دیگری رفتار کند. دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند در پوشش شعارهای پرهیاهو، نظرها و نگرش‌های واقعی خود را پنهان کند زیرا دیر یا زود نیات واقعی آنها برملا خواهد شد. به نظر می‌رسد دوران دیپلماسی پنهان به پایان رسیده است و دیر نیست زمانی که هیچ سخن و کنشی در عرصه دیپلماسی از دید جهانیان پوشیده نماند. جهانی‌شدن و رسانه‌های جهانی شرایط نوینی را به وجود آورده‌اند که سیاست را افسون‌زدایی کرده است. اگر دنیای مدرن در مرحله نخست حیات خویش دست‌به‌کار افسون‌زدایی از دانش شد و دانش را از یک امر دست‌نیافتنی و رازآلود که تنها مختص طبقه‌ای خاص و اشخاصی ویژه است خارج ساخت و آن را به امری تبدیل کرد که برای همه کسانی که به ابزار شناخت مجهز شوند قابل دسترسی است، اکنون زمان افسون‌زدایی از سیاست و قرار دادن آن در منظر جهانیان است.

گزارش تحلیلی «شرق» از آخرین تحولات در جبهه اصولگرایان

نشستی برای شاخصه‌های اصولگرایی

گروه سیاسی، مهراوه خوارزمی: خبر رسیده است که در آخرین روزهای هفته جاری جامعتین میزبان سرشاخه‌های گروه‌های مختلف اصولگرایان و شخصیت‌های معروف و مطرح اصولگرا خواهند بود تا در جمع اعضای جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و دیگر اصولگرایان مدعو «شاخصه‌های اصولگرایی» که پیش از این در چندین و چند بیان و شکل مختلف عرضه شده‌اند به «اشتراک» گذاشته شوند و مبنایی قرار گیرند برای آنکه بالاخره مشخص شود چه کسی اصولگراست و چه کسی اصولگرا نیست و خط قرمزها کجاست؟ این سوالی است که شاید پاسخ‌اش برای بسیاری از پی‌گیرندگان اخبار مرتبط با اردوگاه اصولگرایان نیز جالب توجه باشد، چه پس از متهم شدن بسیاری از اصولگرایان به اصولگرانمایی و تشکیل هیات داوری اصولگرایی در مجلس که قرار بود اصولگرا بودن و نبودن نمایندگان را در کفه ترازو بگذارد و پس از پررنگ شدن اختلافات دو نهاد سیاسی کشور که در اختیار تام و تمام یا اکثریت مطلق اصولگرایان قرار دارند، دیگر مجالی برای پنهان ساختن اختلافات جدی و گاه اصولی و اساسی اصولگرایان باقی نماند و ترکیب «وحدت اصولگرایان» که روزگاری تنها به معنای یک‌کاسه کردن بود، امروز به چالش جدی بدل شده که پس از گذشت بیش از یک سال از عیان شدن نشانگان افتراق و اختلاف هنوز به سرانجامی نرسیده است و بعید به نظر می‌رسد به این سادگی و با گردهمایی و دورهم‌نشینی به نتیجه‌ای خوشایند بزرگان و ریش‌سفیدان اصولگرایی بینجامد. حزب موتلفه اسلامی به عنوان یکی از احزاب پرسابقه اصولگرا یکی از گروه‌هایی بوده است که اگر به وجه جامعتین به تشکیل کمیته مشترک شکل دادن به یک کارگروه وحدت دست نزده است اما دست‌کم بیش از دیگران در این باره سخن گفته و سعی در تاثیرگذاری داشته است ولی پیگیری سخنان مسوولان بلندپایه این حزب نشان می‌دهد دست‌کم در میان بزرگان آن مبنا و مرجع مشخصی برای ارکستر بزرگ اصولگرایان و به ارمغان آوردن نوایی هماهنگ و واحد از این همه ساز که هر یک بر گامی متفاوت کوک شده‌اند وجود ندارد.

حزب موتلفه که حالا اعضای بلندپایه‌اش ترجیح می‌دهند در کنار جامعتین یکی از پایه‌های حل اختلاف اصولگرایان و دست یافتن ایشان به وحدت باشند، به شهادت اخبار منتشرشده در سایت‌های خبری از جمله ایسنا یک روز با پیشنهاد جلسه مشترک اصولگرایان در ساختمان ریاست جمهوری و به میزبانی محمود احمدی‌نژاد وی را در مرکز گردونه وحدت قرار می‌دهند و بعد محمدنبی حبیبی دبیرکل حزب از رئیس‌جمهور و دغدغه‌های همگرایی‌اش تقدیر می‌کند و می‌گوید او در هفته‌های اخیر گام‌های خوبی برای وحدت قوا و وحدت اصولگرایان برداشته است و چند روز بعد در حالی که هنوز اختلاف دو قوه در اختیار اصولگرایان سرانجام مشخصی نیافته است، اسدالله بادامچیان در سخنانی که همین روز گذشته در ایسنا بازتاب یافت، بی‌اشاره به آنکه تمام دعوای پدیدآمده میان دولت و مجلس بر سر ادعای مجلسیان بر سر تخلف از قانون دولت و اعتقاد دولت به در راس امور نبودن مجلس است، با تاکید بر اینکه در نظام جمهوری اسلامی مجلس دارای استقلال است و تعیین‌کننده قوانین، چنین بیان می‌دارد که «کسی که قانون را عمل نمی‌کند دقیقاً در مقابل همه مردم ایستاده است و این فرد در برابر مبانی قانونی که حقوق و فقه است طغیان کرده است.» و حتی به این نیز بسنده نکرده و می‌گوید: «درباره این عقیده که در آن عنوان می‌شود عمل نکردن به قوانین مجلس به دلیل تفسیرها و سلیقه‌هایی است که درباره قانون اعمال می‌شود، باید گفت بیان خدا هم تفسیر شخصی می‌شود. یک موقع فرق می‌کند فردی می‌گوید این را قانون نمی‌دانم و عمل نمی‌کنم و یک موقع می‌گوید مجلس چه کاره است. این می‌شود دیکتاتوری. اینها فرق می‌کند؛ یکی نفی قانون است، یکی ضدیت با قانون است، یکی تمرد از قانون است، یکی تخلف قانونی است و یکی بی‌اعتنایی به قانون است.»

بادامچیان هر چند در این سخنان مشخص نکرد که به نظر وی و در اختلاف پیش‌آمده نهاد و کارگزار مجری قانون در کدام‌یک از این دسته‌بندی‌ها قرار می‌گیرد اما در مجموع این موضع‌گیری به‌رغم موضع‌گیری‌ها و عملکرد بزرگان حزب موتلفه حتی در چند روز گذشته است؛ عملکردی که حتی کار را به آنجا رسانده بود که در دیدار و رایزنی‌های آنان با مراجع و علمای قم آیت‌الله سبحانی آنان را چون نمایندگان دولت واسطه‌ای برای رساندن سخن روحانیون به دولت قلمداد کند و از آنان بخواهد حرف‌هایش را به گوش دولت برسانند.

با این حال اگر سخنان اخیر اسدالله بادامچیان را از منظومه گفتار و رفتار اعضای موتلفه درباره وحدت اصولگرایان کنار بگذاریم، باید بگوییم برای حزب موتلفه به عنوان حزبی که بیشترین تحرک را در راستای دستیابی به وحدت اصولگرایان از خود به خرج داده است، جاذبه دولت بیش از هر جریان و نهاد اصولگرایی دیگری بوده و هست.

چه بزرگان موتلفه نه غربالگری و تقسیم اصولگرایان به ناب و غیرناب بلکه وحدت بر سر اصل بقا را مبنای کار خود قرار داده‌اند و در این میان بارها از ناکارآمد جلوه دادن مجلس و دولت به دست اغیار و لزوم حفظ وحدت و حمایت همه اصولگرایان از این دو نهاد سخن رانده‌اند. با این حساب برخی ناظران بر این گمانه پای می‌فشارند که موتلفه و بزرگانش ترجیح می‌دهند محصول وحدت در سبد حمایت از دولت گذاشته شود و حمایت از دولت، محمود احمدی‌نژاد و جریان سیاسی تکیه‌گاهش که به دلیل برخی عملکردها و عقاید خود و اطرافیان از سوی طیفی از اصولگرایان نافیان اصل و بنیانگذاران بدعت‌هایی چون «مکتب ایرانی» به شمار می‌رود، خود به عنوان یک سنجه اصولگرا بودن یا نبودن افراد به شمار بیاید. به هر روی نگاهی به روند برخورد گروه‌های مختلف اصولگرا با موضوع وحدت نشان می‌دهد که ممکن است در نهایت آنچه از این مقصود پدید می‌آید شباهتی به خواست نخستین نداشته باشد یا تنها به علامتی صوری بر بیرق خیمه‌گاه اصولگرایی بدل شود.

چه قریب به یک سال است که «وحدت اصولگرایان» ترجیع‌بند سخنان سیاستمداران این جریان و بخش پررنگی از اخباری شده است که از اردوگاه آنان به گوش می‌رسد. تاکید بر «وحدت» اگرچه در نقطه آغاز به معنای وحدت یافتن میان تمام عناصر نظام و سیاسیون کشور بود اما با گذشت زمان، بروز اختلافات داخلی در میان اصولگرایان بر سر موضوعات مختلف و به حاشیه رفتن نخبگان سیاسی، جریان رقیب تبدیل به عبارتی شد که از آن وحدت میان سیاسیون مستفاد می‌شد و در نهایت آشکار و عریان شدن بیشتر اختلافات در عین آنکه هنوز هم از سوی زعمای قوم انکار می‌شوند، سبب شد ترکیب صریح «وحدت اصولگرایان» که به نوعی باطل‌السحر طلسم افتراق به شمار می‌آمد تولد یابد. اما سورنای وحدت، سازی است که هر یک از اصولگرایان آن را از یک سرش می‌دمند. عده‌ای غربال و کاستن و یکدست شدن را مسیر منتهی به وحدت می‌شمارند و عده‌ای دیگر هشدار دادن گروهی نیز راه سفر پیشه کرده‌اند و ریسمان‌های اصولگرایی را به یکدیگر گره می‌زنند. درست مانند تعدد تشکل‌هایی که به قصد وحدت پا به عرصه ظهور نهاده‌اند.

یک روز خبر از تشکیل کمیته مشترک میان جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه قم به گوش می‌رسد و ترکیب «کمیته مشترک جامعتین» نقل محافل می‌شود و روزی دیگر احمدی‌نژاد آستین بالا می‌زند و از بزرگان اصولگرایی که به بزرگی می‌شناسدشان در نهاد ریاست‌جمهوری میزبانی می‌کند و بعد خبر می‌رسد که رئیس دولت یک هیات سه‌نفره متشکل از علی‌اکبر ولایتی، غلامعلی حدادعادل و حبیب‌الله عسگراولادی را برای پیگیری وحدت میان اصولگرایان مامور کرده است. روزی کمیته مشترک جامعتین از جریان انحرافی در اصولگرایی خبر می‌دهد و روزی دیگر جامعه روحانیت مبارز با انحرافی خواندن اصولگرایی جامعه وعاظ ولایی که چندی است از جامعه وعاظ انشعاب کرده است جلوه‌ای دیگر از جریان اصولگرایی را رقم می‌زند، که دنبال کردن سررشته انشعاب‌شان نشان می‌دهد سرنخ همه چیز می‌رسد به ارتباط معنادار این جامعه تازه انشعاب‌یافته به یکی از نزدیکان دولت و دیگر هیچ. در جمع نمایندگان هم خالص‌سازی اصولگرایان برای دست یافتن به وحدت طرفداران متفاوتی دارد؛ هم منتقدان اصولگرای دولت که برای سوال از رئیس‌جمهور امضا جمع می‌کنند طرفدار بازتعریف اصولگرایی و هم طرفداران دولت از لزوم خارج شدن کسانی که به زعم ایشان سربلند از آتش فتنه بیرون نیامده‌اند و بر اصول نایستاده‌اند.

به هر روی تا اینجای کار در موسیقی‌ای که با نت وحدت آغاز شد و ادامه یافت تک‌مضراب‌های پرصدا و پرطنینی از افتراق شنیده می‌شود. آیا احزاب و چهره‌های میانجی خواهند توانست با برگزاری نشست در مشهد، بازدید از علمای قم و تشویق به همنشینی در پاستور، نوای مطلوبی برای آینده اصولگرایی بنوازند... آیا اصولگرایی بر مبنای اصول خواهد ماند یا بر مبنای اقتضائات و اینکه تا چه حد حمایت و تقویت دولت ستون خیمه اصولگرایی را استحکام خواهد بخشید موضوعاتی هستند که نیاز به کمی گذشت زمان دارند. جلسه آخر هفته بزرگان اصولگرا با اعضای جامعتین شاید یکی از مهم‌ترین جلساتی باشد که در هفته‌های اخیر در اردوگاه اصولگرایان اتفاق افتاده است، چه اگر در جلسه پیشین اصولگرایان در نهاد ریاست‌جمهوری برخی در لیست دعوت‌نشدگان بودند و برخی غایب، توقع می‌رود که با توجه به عدم حضور میزبانان جلسه پیش‌رو در هیچ یک از نهادها و جریان‌های متفرق و متعارض اصولگرا، طیف گسترده‌تری از اصولگرایان به جمع مدعوین و حاضرین آن بپیوندند.

مجلس تابع رئیس‌جمهور نیست

ادامه از صفحه اول

و هم نماینده قانون اساسی است و هم نمایندگان مجلس تابع ولی فقیه هستند و تابع رئیس‌جمهور نیستند و نمی‌توانند باشند. بادامچیان درباره وضعیت نظارت در مجلس هشتم نیز گفت: در مجلس هفتم هیات عالی نظارت شکل گرفت و در مجلس هشتم معاونت نظارت انتخاب شد و بنده مسوول هماهنگی ناظران مجلس هستم و حدود ۱۸۰ ناظر مجلس مشغول هستند و بعضی‌ها هم جدی و قوی مشغول هستند. وی در ادامه با تاکید بر اینکه قوه قضائیه در امریکا تابع رئیس‌جمهور است، به طرح این سوال که اوضاع در ایران چطور است، پرداخت و گفت: در ایران قانون مصوب مجلس باید مخالف شرع و قانون اساسی نباشد. عدم مغایرت را شورای نگهبان تشخیص می‌دهد و بنابراین مجلس مبانی قانونی حکومت که مبانی اسلامی است را شکل می‌دهد پس مجلس تابع رئیس‌جمهور نیست و تابع اسلام است و استقلال رای دارد و استقلال واقع در نظام جمهوری اسلامی برای قوه مقننه است. نمایندگان مجلس را انتخاب می‌کنند، اما مردم از اینها می‌خواهند در خط ولایت فقیه همان قوانین صحیح را تصویب کنند. پس اینجا مساله مجلس جمهوری اسلامی با مجالس غیراسلامی متفاوت است. بادامچیان همچنین خاطرنشان کرد: از سوی دیگر در کشور رئیس‌جمهور که با رای مردم انتخاب می‌شود، دارای اختیار بی‌حد و حصر نیست و اولین مساله این است که باید تنفیذ ولی فقیه را داشته باشد، پس تنها نمی‌تواند بگوید من متکی به رای مردم هستم، متکی به رای مردم هستم و تنفیذ ولی فقیه عادل را هم دارم. همچنین باید بیاید و در مجلس در مقابل نمایندگان ملت هم سوگند یاد کند پس رئیس‌جمهور به سه جا تعهد دارد؛ هم رای مردم، هم تنفیذ ولی فقیه و هم سوگند در برابر نمایندگان ملت. وی افزود: قوه مقننه ما هم در اصل تابع ولی فقیه است و رئیس‌جمهور هم تابع ولی فقیه است، پس تبعیت از رئیس‌جمهور در این نظام امکان‌پذیر نیست. حال اکثر رئیس‌جمهورها خواسته‌اند مجلس چیزی که او می‌خواهد انجام دهد. این طبیعت انسان است و چیز خاصی هم نیست اما آن چیزی که جلوی این امر را گرفته ماهیت نظام و قانون اساسی است. وی افزود: اگر در ۳۱ سال کشور ما این پیشرفت را پیدا کرده است، اگر افرادی مانند بنی‌صدر نتوانستند دیکتاتوری سلطه‌گرانه امریکا را جا بیندازند، اگر افکار چپ برخی و افکار لیبرالیستی برخی‌ها و اگر افکار تند انقلابی‌گری بعضی‌ها نتوانسته در کشور ما اثر بگذارد، این مربوط به نظام است و بیش از همه هم مجلس نقش دارد. بادامچیان در پاسخ به این پرسش که «از دیدگاه حضرت امام(ره) یکی از مواردی که منجر به دیکتاتوری می‌شود عدم تبعیت از قانون و نهادهای قانونی نظیر مجلس است، نظر شما در این مورد چیست؟» گفت: کسی که قانون را عمل نمی‌کند دقیقاً یعنی در مقابل همه مردم ایستاده است و در برابر مبانی قانونی که حقوق و فقه است طغیان کرده است.

اعتراض قم

ادامه از صفحه اول

شاید از همین‌رو بود که آیت‌الله وحیدخراسانی در سخنانی که در آستانه ماه محرم‌الحرام در جمع انبوه مبلغان اعزامی ایراد کرد، هشدار داد «در صورتی که چهره حضرت ابوالفضل‌العباس(ع) به صورت هنرپیشه به نمایش درآید، عاشقان قمر بنی‌هاشم(ع) در روز تاسوعای امسال محشری برپا خواهند کرد که در روز قیامت کمر عوامل پخش چنین تصاویری را خواهد شکست.» به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی این مرجع تقلید، وی تصریح کرد: «آنچه من شنیده‌ام که خدا نکند چنین باشد، غلطی است که می‌خواهند انجام بدهند که اگر این غلط را انجام دادند، من وظیفه‌ام این است که به آنها گوشزد کنم، اگر سعادتمند باشند در دنیا بیچاره خواهند شد و اگر اهل شقاوت باشند در دنیا آسیبی به آنها نخواهد رسید ولی آن وقتی که دست بریده حضرت عباس(ع) وارد محشر شود، کمر همه آنها را خواهد شکست که برای ابد از رحمت خدا محروم باشند.» این مرجع تقلید با بیان اینکه «شنیده‌ام می‌خواهند - لااله الا الله- قمر بنی هاشم(ع) را به نقش هنرپیشه‌ها درآورند» تاکید کرد: «کسی که حجت خدا مقابل قبر او می‌ایستد و می‌گوید سلام خدا، سلام تمام انبیا (ع)، سلام تمام اوصیا (ع) و سلام تمام شهدا بر تو یابن امیرالمومنین؛ کسی که هر صبح و شب، خدا و ۱۲۴هزار پیغمبر به او سلام می‌کنند، این را می‌خواهند به نقش هنرپیشه‌ها درآورند.»

وی افزود: «خدا نکند چنین غلطی بکنند؛ آن وقت هر چه پیش آید و هر چه ما بگوییم معذوریم.» بنابر گزارش پایگاه خبری این مرجع تقلید، آیت‌الله وحیدخراسانی در ادامه از شدت ناراحتی از شنیدن چنین خبری فریاد کشید: «ای روزگار..! ای دنیای ناپایدار..! باید روزگاری بشود که ما زنده باشیم و در این روزگار بخواهند هنرپیشه‌ها نقش او را به مردم نشان بدهند..؟! مردم..! بدانید این نقشه‌ها برای این است که وقتی قمر بنی‌هاشم(ع) را به آن صورت نشان دادند، دیگر این سوز و گداز در روضه‌ها نباشد. برای این است که آن کسانی که آن صحنه را ببینند و آن هنرپیشه را تماشا کنند دیگر آنچنان که باید، در عزای او نسوزند. ولی باید بدانند اگر با چکمه و با کراوات خواستند این چراغ را خاموش کنند و نشد، با این ریش‌ها و با این یقه‌های باز هم این نور خدا خاموش شدنی نیست، دیگر ختم کلام.»

همچنین آیت‌الله صافی گلپایگانی با انتقاد دوباره از حضور زنان در مسابقات آسیایی گوانگجو، اظهار داشت: اینکه زنان مسلمان در مسابقات ورزشی مدال بیاورند، افتخار و عزت نیست، بلکه ذلت است، و عزت برای زنی است که بگوید من در این مسابقات شرکت نمی‌کنم. به گزارش مرکز خبر حوزه این مرجع تقلید روز گذشته در دیدار جمعی از مدیران حوزه‌های علمیه خواهران افزود: این مسابقات و امثال اینها، برنامه‌هایی است که دشمنان درست می‌کنند تا زنان مسلمان را از عفت و کرامت اسلامی خارج کنند و به همین دلیل باید هوشیار باشیم. آیت‌الله صافی گلپایگانی با بیان اینکه فرهنگ حاکم بر غرب در مورد زنان، فرهنگ کثیفی است، گفت: فکر نکنیم که برای مثال اگر صدراعظم آلمان یک زن است، غربی‌ها به زنان، خیلی بها می‌دهند، این‌طور نیست، زیرا فرهنگ غرب در مورد زنان فرهنگ کثیفی است. آیت‌الله صافی گلپایگانی خطاب به مدیران حوزه‌های علمیه خواهران اظهار داشت: زنانی که در حوزه‌ها تحصیل می‌کنند، اگر بتوانند فرهنگ پوشیه زدن بر صورت زنان و علت مفید بودن آن را برای جامعه تبیین کنند، بسیار خوب خواهد بود.

تصاویر مربوط به چهره حضرت ابوالفضل در سریال مختارنامه حذف شد

رئیس مرکز سیمافیلم گفت: صحنه‌های مربوط به چهره نورانی حضرت ابوالفضل(ع) از سریال مختارنامه حذف شده و عدم نمایش چهره ایشان از مدت‌ها قبل به تیم سازنده اعلام شده است. حسن اسلامی‌مهر در گفت‌وگو با فارس گفت: به رغم تلاش‌های ارزشمند و هنرمندانه جناب آقای داوود میرباقری کارگردان متعهد سریال مختارنامه در خلق صحنه شهادت حضرت ابوالفضل(ع)، این تصاویر در سریال به نمایش درنمی‌آیند.

متکی: به سنت اسلامی پاسخ دادم

ادامه از صفحه اول

او مدعی شده بود: «پس از آنکه ثابت کردند می‌توانند این کار (غنی‌سازی) را به طور مسوولانه و مطابق تعهدات بین‌المللی خود انجام دهند، می‌توانند در تاریخی در آینده غنی‌سازی کنند. او البته مدعی شده بود که تحریم‌ها در حال اثرگذاری بر تصمیم‌های سیاسی ایران است. این اظهارات کلینتون که به تازگی عنوان شده پست وزارت امور خارجه امریکا آخرین زندگی سیاسی خود را طی می‌کند با واکنش برخی از مقامات ایرانی مواجه شد. علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: به نظر می‌رسد کلینتون به علت کثرت مشغله، تحولات را دقیق دنبال نمی‌کند. باید به وی متذکر شد همان‌گونه که رئیس دفتر دبیر شورای عالی امنیت ملی در نامه‌ای به رئیس دفتر خانم اشتون اعلام کرد؛ به دنبال معذرت‌خواهی خانم اشتون از ایران، توافق ایران برای آغاز مذاکرات مطرح شد. بنابراین اگر چنین اتفاقی نمی‌افتاد طبیعتاً توافق برای انجام مذاکره شکل نمی‌گرفت، همان طور که در طول بیش از یک سال گذشته و پس از مذاکرات ژنو ۱ و ۲، هیچ مذاکره‌ای انجام نشد. او تاکید کرد: ما با توجه به اینکه چارچوب مذاکرات‌مان مشخص است و بسته پیشنهادی نیز پیش از این به گروه ۱+۵ ارائه شده است، در چنین فضایی مذاکره را آغاز می‌کنیم. اگر شاهد نوعی واقع‌گرایی از سوی امریکا و هم‌پیمانان اروپایی‌اش باشیم این مذاکرات می‌تواند به نتیجه مثبت و مناسبی برسد. اظهارات اخیر هیلاری کلینتون مبنی بر حق ایران برای غنی‌سازی و امید به مذاکرات با اینکه نشان‌دهنده سیاست جدید اتخاذشده توسط کاخ سفید نیست اما در تاریخی که چند روزی بیشتر تا زمان مذاکرات ژنو نمانده، لحنی به وضوح متفاوت از گذشته دارد. مجله فارین‌پالیسی در این مورد مدعی شد هیلاری کلینتون در حال گرم گرفتن با ایران است. اما متکی در سخنرانی خود اشاره‌ای به موضوعات دیگر نداشت و تلاش کرد بیشتر در مورد موضوع اصلی این نشست که در بحرین در حال برگزاری است گفت‌وگو کند. وزیر امور خارجه ایران تامین امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس را نیاز جهانی دانست و گفت: این منطقه تامین‌کننده انرژی جهان است و تضمین عرضه و انتقال انرژی یکی از دغدغه‌های اساسی به شمار می‌رود. وی با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی ایران اهمیت زیادی برای امنیت منطقه قائل است، گفت: این منطقه با توجه به موقعیت راهبردی خود در معادلات جهانی نقش مهمی ایفا می‌کند و دامنه رویدادهای آن از سطح منطقه فراتر رفته و کل جامعه بین‌الملل را متاثر ساخته است. اما متکی در نشست مطبوعاتی خود مجبور شد تا در مورد مسائل مختلف دست به موضع‌گیری بزند. وی در پاسخ به سوالی درباره سوآپ سوخت با اشاره به گفت‌وگوهایی که در یک سال گذشته در جریان بود، اظهار داشت: در خصوص این گفت‌وگوها آقای اوباما از آقایان لولا داسیلوا و اردوغان درخواست کرد که با ایران مذاکره کنند و بحث مبادله را به تفاهم برسانند، این کار صورت گرفت و بیانیه تهران صادر شد. وزیر خارجه افزود: مردم برزیل از اقدام آقای لولا استقبال کردند و مدتی بعد در انتخابات این کشور به کاندیدای مورد نظر لولا رای دادند، همچنین آقای اردوغان به خاطر این ابتکار از سوی مردم ترکیه مورد حمایت قرار گرفت و نظراتش در رفراندوم این کشور رای آورد. وی گفت: آقای اوباما نیز می‌توانست ضلع دیگر این روند چندجانبه باشد اما متاسفانه روند تقابل را در پیش گرفت و به سوی قطعنامه حرکت کرد و نتیجه‌ای به دست نیاورد جز انتخابات میان دوره‌ای امریکا که نتیجه‌اش به مقررات ان‌پی‌تی است اما باید این رویکرد گفتاری به رویکرد عملی تبدیل شود. ما اذعان به این حق را در آسمان‌ها نمی‌خواهیم بلکه در زمین می‌خواهیم. اما موضوع جانبی دیگری نیز رسانه‌های خبری را درنوردید و آن ادعای هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه امریکا در مورد سلام کردن به منوچهر متکی همتای ایرانی خود است. روز گذشته خبرگزاری‌های خارجی به نقل از هیلاری کلینتون مدعی شدند متکی جواب سلام وزیر امور خارجه امریکا را نداده است. خبرگزاری رویترز به نقل از هیلاری کلینتون مدعی شد: «من می‌خواستم از جایم بلند شوم و او چند صندلی آن طرف‌تر در حال گفت‌وگو و دست دادن با دیگران بود. من را دید، ایستاد و به طرف دیگری رفت. من گفتم سلام جناب وزیر ولی او مسیرش را عوض کرد.» اما متکی با تعریف این سکانس از زاویه دید کلینتون مخالف است. متکی در منامه در پاسخ به سوالی در این زمینه در نشست مطبوعاتی خود گفت: «خانم کلینتون در زمان احوالپرسی من با پادشاه اردن به من سلام کرد و من نیز بر اساس سنت اسلامی جواب سلام ایشان را دادم. مردم منطقه در ادب رفتاری‌شان شهره هستند اما در مورد بحث گفت‌وگو بین دو کشور آیا واقعاً دیالوگ است یا مونولوگ. متاسفانه امریکایی‌ها در گفت‌وگو با برخی طرف‌ها راغب هستند. موضع همیشگی ماست. خبرنگاری لحن کلینتون در اجلاس منامه را آشتی‌جویانه توصیف کرد و از وزیر خارجه پرسید شما چگونه این لحن را توجیه می‌کنید، که وی پاسخ داد: بیان این کلام که حق جمهوری اسلامی ایران در برخورداری از فناوری هسته‌ای از سوی کسانی که می‌گفتند ایران نباید به سوی انرژی هسته‌ای پیش برود یک گام به پیش است، البته این اذعان، اذعان به مقررات ان‌پی‌تی است اما باید این رویکرد گفتاری به رویکرد عملی تبدیل شود. ما اذعان به این حق را در آسمان‌ها نمی‌خواهیم بلکه در زمین می‌خواهیم. اما موضوع جانبی دیگری نیز رسانه‌های خبری را درنوردید و آن ادعای هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه امریکا در مورد سلام کردن به منوچهر متکی همتای ایرانی خود است. روز گذشته خبرگزاری‌های خارجی به نقل از هیلاری کلینتون مدعی شدند متکی جواب سلام وزیر امور خارجه امریکا را نداده است. خبرگزاری رویترز به نقل از هیلاری کلینتون مدعی شد: «من می‌خواستم از جایم بلند شوم و او چند صندلی آن طرف‌تر در حال گفت‌وگو و دست دادن با دیگران بود. من را دید، ایستاد و به طرف دیگری رفت. من گفتم سلام جناب وزیر ولی او مسیرش را عوض کرد.» اما متکی با تعریف این سکانس از زاویه دید کلینتون مخالف است. متکی در منامه در پاسخ به سوالی در این زمینه در نشست مطبوعاتی خود گفت: «خانم کلینتون در زمان احوالپرسی من با پادشاه اردن به من سلام کرد و من نیز بر اساس سنت اسلامی جواب سلام ایشان را دادم. مردم منطقه در ادب رفتاری‌شان شهره هستند اما در مورد بحث گفت‌وگو بین دو کشور آیا واقعاً دیالوگ است یا مونولوگ. متاسفانه امریکایی‌ها در گفت‌وگو با برخی طرف‌ها راغب هستند.

۸۸۶۵۴۳۹۰ — الو شرق

■ **روزنامه شنبه خبری نداشت:** ۱- چرا آقای غلامی دیگر نمی‌نویسد. ۲- گهگداری آقای ابراهیم رها در ضمیمه‌تان مطلب داشت اما مدتی است دیگر از همین مطالب هرازگاهی هم خبری نیست. ۳- روزنامه روز شنبه‌تان خیلی بی‌محتوا و کم‌خبر بود، یعنی واقعاً در این کشور هیچ خبری نبود که شما منعکس کنید.

خوانساری

■ **احساس به خرج ندهید، تحلیل کنید:** به جای آنکه حوادث را احساسی بازگو و بررسی کنید و عملاً تبد